



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۵۷

بهمن ۱۳۹۵



پیروز ایزدی
مرکز تحقیقات استراتژیک

ترامپ و اروپا: ابهام در روابط فرآتلانتیکی

مقدمه

با روی کار آمدن ترامپ در ایالات متحده، موجی از نگرانی نسبت به آینده مناسبات فرآتلانتیکی این قاره را فراگرفته است. علت عمده این نگرانی‌ها سیاست‌های اعلام شده از سوی ترامپ می باشد که نشانگر چرخشی عمده در سیاست خارجی آمریکا در قبال متحدین اروپایی خود است. یکی از نشانه های بارز این تغییر جهت گیری، حمایت ترامپ از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و تضعیف و حتی فروپاشی این اتحادیه است، در حالی که طی شصت سال گذشته، ایالات متحده همواره از حامیان اصلی وحدت و همگرایی در اروپا بوده است. از سوی دیگر، ترامپ با به زیر سوال بردن عملکرد ناتو، در اولویت قرار دادن منافع آمریکا و انتقاد از اروپا برای بر عهده نگرفتن مسئولیت دفاع از خود، رد پیمان های چند جانبه تجاری و تمایل به برقراری روابط دوجانبه و هواداری از سیاست های اقتصادی حمایت گرایانه و نیز طرح چشم انداز همکاری با روسیه در مبارزه با تروریسم و در ازای آن رفع تحریم ها علیه آن کشور، اروپا را در

شرایطی قرار داده که ناچار خواهد بود به انتخاب های دشواری دست بزند. این نوشتار قصد دارد به بررسی چالش ها و مشکلاتی بپردازد که در صورت عملی شدن برنامه های ترامپ متوجه اروپا خواهد بود و نیز به ارزیابی آسیب‌هایی بپردازد که از این رهگذر اروپا را تهدید خواهند کرد.

ترامپ و امنیت اروپا

ترامپ که با شعار «آمریکا، نخست» وارد مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا گردید، به دفعات قصد خود را مبنی بر اولویت منافع و مصالح آمریکا و کاستن از تعهدات و هزینه های آمریکا در مواردی اعلام کرده است که منافع حیاتی آمریکا با تهدیدی جدی مواجه نمی باشد. در این راستا، ترامپ به ویژه از «سواری رایگان» متحدین آمریکا انتقاد کرده است. پیامد این رویکرد جدید در سیاست خارجی آمریکا این است که ایده اتحادیه دفاعی اروپا که سابقه آن به دهه ۱۹۵۰ میلادی بر می گردد و هرگز تاکنون جامه عمل به خود نپوشیده بار دیگر احیا شود. با توجه به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، چنین اتحادیه ای باید بر محور

مواجه شود که این امر می تواند تأثیرات نامطلوبی بر بازارهای مالی جهانی داشته باشد، و از این رهگذر با افزایش بدهی های کشورهای اروپایی به اقتصاد آنها آسیب وارد سازد. با این حال، در این میان به نظر می رسد بریتانیا که در حال خروج از اتحادیه اروپا می باشد - امری که مورد حمایت ترامپ نیز واقع شده است - و در پی شرکای اقتصادی و تجاری دیگری می باشد، بتواند در حوزه اقتصاد نیز با آمریکا روابط ویژه ای برقرار سازد.

ترامپ و تضعیف اتحادیه اروپا

بر خلاف سیاست خارجی آمریکا در قبال اروپا در طول بیش از شصت سال گذشته که مبتنی بر تقویت همگرایی در اروپا بوده است، ترامپ با انتقاد از این اتحادیه آن را وسیله ای برای پیشبرد منافع اقتصادی آلمان تلقی کرده است و موضعی همدلانه با احزاب راست گرای افراطی در اروپا از جمله حزب جبهه ملی در فرانسه اتخاذ کرده است که با سیاست های اتحادیه اروپا مخالف می باشند. به نظر می رسد که برداشت ترامپ از اتحادیه اروپا بر این باور استوار است که وجود این اتحادیه سبب تضعیف اقتصاد آمریکا می شود. کسری تراز تجاری آمریکا با اتحادیه که در سال ۲۰۱۴ به ۹۱ میلیارد دلار بالغ گردید یکی از دلایلی است که ترامپ با استناد به آن روابط تجاری با اتحادیه را به ضرر آمریکا می داند. از سوی دیگر، ترامپ با مصوبات کنفرانس تغییرات آب و هوایی به مخالفت برخاسته و این امر بر نگرانی های زیست محیطی کشورهای اروپایی افزوده است.

ترامپ و رفع تحریم های روسیه

دیدگاه مثبت ترامپ نسبت به روسیه و تأکید او بر ضرورت همکاری با این کشور برای مقابله با تروریسم

فرانسه - آلمان شکل گیرد اما شکل گیری آن مستلزم مقابله با چالش های فراوانی از جمله عدم تمایل کشورها به از دست دادن حاکمیت خود در زمینه امور دفاعی، افزایش چشمگیر بودجه دفاعی و سرمایه گذاری های کلان برای ارتقای توانمندی های نظامی می باشد. این امر در شرایطی که اکثر اقتصادهای اروپایی از حالت رکود بیرون نیامده اند، می تواند فشار عظیمی را بر منابع مالی آنها وارد آورد.

سیاست های حمایتی ترامپ و مناسبات

اقتصادی فرآتلانتیکی

مخالفت ترامپ با پیمان های تجاری چندجانبه که به خروج آمریکا از پیمان ترانس پاسیفیک (TTP) در همان روزهای نخست ریاست جمهوری ترامپ منجر شد و تمایل او به عقد پیمان های تجاری دوجانبه، علاوه بر اینکه طرح پیمان تجاری و سرمایه گذاری ترانس آتلانتیک (TTIP) را به بایگانی تاریخ خواهد سپرد، سبب خواهد شد تا در نتیجه سیاست های حمایت گرایانه اقتصادی ترامپ و افزایش تعرفه ها و موانع گمرکی، صادرات کشورهای اروپایی به آمریکا لطمه شدیدی ببیند که این امر در مورد اقتصاد صادرات محوری مانند آلمان تأثیراتی بسیار منفی برجا خواهد گذاشت. طبق آمارهای موجود، در سال ۲۰۱۵، حجم صادرات آلمان به ایالات متحده به ۱۱۴ میلیارد دلار بالغ گردید و هرگونه کاهش در این میزان می تواند به اقتصاد این کشور لطمه وارد سازد. از سوی دیگر، با توجه به سیاست های اقتصادی ترامپ مبنی بر کاهش مالیات ها و افزایش هزینه های عمومی و سرمایه گذاری بر روی زیرساخت ها، انتظار می رود که اقتصاد آمریکا با افزایش نرخ تورم و به تبع آن افزایش نرخ بهره و تقویت ارزش دلار

و به ویژه گروه داعش و طرح دورنمای کاهش و رفع تحریم های روسیه که به دنبال بحران اوکراین و ضمیمه شدن شبه جزیره کریمه به روسیه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا وضع گردیده بود، از جمله دیگر نگرانی های اروپائیان می باشد. عدم حمایت ترامپ از تداوم تحریم ها می تواند اجماعی را که در اتحادیه اروپا در این زمینه وجود داشت تضعیف کند و کشورهایی مانند مجارستان، اتریش و ایتالیا را به سمت رفع تحریم ها سوق دهد و در نتیجه به تشتت و تفرقه در اتحادیه دامن بزند. برداشتی که از تهدید امنیتی روسیه در اروپا وجود دارد که به ویژه از نظر آنها در درجه نخست، متوجه کشورهای حوزه بالتیک می باشد و پیش بینی ناپذیری ترامپ و تردید در تمایل او به حفظ امنیت اروپا، دولت های اروپایی را بسیار مضطرب ساخته است.

پیامدهای اختلاف در جبهه غرب برای برجام

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، عبارت از این است که با توجه به اینکه ترامپ برجام را زیر سؤال برده است و در مقابل کشورهای اروپایی از آن حمایت کرده اند، در صورت نقض آن از سوی ترامپ، اروپا چه واکنشی از خود نشان خواهد داد؟ آیا مجبور به دنباله روی از آمریکا خواهد بود یا اینکه می تواند در برابر این اقدام آمریکا ایستادگی کرده و به گسترش و توسعه روابط تجاری و اقتصادی خود با ایران ادامه دهد. پاسخ به این پرسش، با توجه به وابستگی متقابل اقتصادهای اروپا و آمریکا و این واقعیت که اروپا با توجه به حجم مبادلات تجاری و مالی خود با آمریکا و درهم تنیدگی بازارهای مالی در دو سوی آتلانتیک، در صورتی که در شرایط انتخاب قرار گیرد، هرگز قادر نخواهد بود از منافع اقتصادی حاصله از مراودات با

آمریکا دست بکشد، تا حدود زیادی روشن می باشد. در چنین صورتی روابط تجاری و اقتصادی اروپا با ایران با موانعی حتی جدی تر از آنچه اکنون وجود دارد، مواجه خواهد شد. با این حال، در صورتی که ترامپ با اقدامات خود منافع استراتژیک اروپا را با تهدیدات جدی مواجه سازد، آن گاه، این امکان وجود خواهد داشت که اروپا به شکل جدی تری برای مقابله با اقدام ترامپ در زمینه نقض برجام، راهکارهایی بیندیشد تا در عین تداوم مناسبات تجاری و اقتصادی خود با ایران، از وارد آمدن ضرر و زیان به نهادهای اقتصادی و بانکی خود جلوگیری کند.

نتیجه گیری

با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، موجی از نگرانی در اروپا نسبت به سیاست های اعلام شده از جانب او و نیز پیش بینی ناپذیری رفتارهایش پدید آمده است. در واقع، در این مقطع جدید از سیاست جهانی، اروپائیان بیش از هر زمان دیگری از جنگ جهانی دوم بدین سو، احساس خطر و ناامنی می کنند. امروزه اروپا با بحران مهاجران، بحران برگزیت، بحران اوکراین، بحران تروریسم، بحران اقتصادی، بحران پوپولیسم و بحران جمعیت شناختی روبروست که اینها هر چند ماهیتاً از یکدیگر متفاوتند اما مقوم یکدیگر می باشند و موجودیت اتحادیه اروپا را با تهدیدات جدی مواجه ساخته اند. در چنین شرایطی، وجود یک رئیس جمهور در کاخ سفید که دیدگاهی منفی نسبت به اتحادیه اروپا دارد، می تواند وضعیت را برای اروپائیان از نقطه نظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیار پیچیده تر و غامض تر نماید.